

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و پنجم، شماره پیاپی ۹۰،
بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۸۹-۱۱۵

پژوهشی درباره امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم*

دکتر محمدعلی رضایی کرمانی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: rezai@um.ac.ir

فاطمه رضاداد

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

Email: fatima_re5@yahoo.com

چکیده

با توجه به جایگاه ارجمند مفهوم «رجاء» و امید در فرهنگ اسلامی، تعیین امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم از دیر باز مورد اهتمام اندیشوران مسلمان و قرآن‌پژوهان بوده است. از این رو، گستره پژوهش‌های آنان، دیدگاه‌های گوناگونی را پدید آورده است که به جهت پراکندگی در منابع و مآخذ مختلف، امکان نگاهی کلی و همه جانبه به آن‌ها برای پژوهشگران و مراجعان فراهم نیامده است. نوشتار حاضر با استخراج دیدگاه‌های گوناگون از متون روایی، تفسیری و علوم قرآنی، آن‌ها را معرفی و ارزیابی نموده و پژوهشی مختصر و نسبتاً فراگیر درباره امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم سامان داده است.

گویا در بین سی و دو دیدگاه به دست آمده از قرآن‌پژوهان در این باره، آیات سوره‌های زمر/۵۳، نساء/۱۱۶، حجر/۴۹ و ضحی/۵، از شهرت بیشتری برخوردارند.

کلید واژه‌ها: قرآن، آیه، امید بخش‌ترین آیه.

درآمد

از جمله مباحثی که در آثار علوم قرآنی، مانند برهان زرکشی و اتقان سیوطی دیده می‌شود، موضوع امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم است. این موضوع در منابع روایی و تفسیری نیز به چشم می‌خورد و روشن می‌گردد که اندیشوران و قرآن‌پژوهان از همان عصر نزول قرآن بدان پرداخته‌اند. حاصل این تأملات، دیدگاه‌های گوناگونی را رقم زده است که استخراج و ارزیابی مختصر آن‌ها از اهداف این نوشتار است؛ گرچه پیش از پرداختن به آن، مباحثی مقدماتی مانند ماهیت امید و مفهوم شناسی آن از نگاه دین ضروری می‌نماید.

درباره واژه امید (رجاء)

واژه امید (رجاء) به لحاظ معنایی در برابر واژه ناامیدی (قنوط)، به معنای توقع و انتظار حصول امری است که زمینه‌های دستیابی به آن فراهم و آماده است.

این واژه گرچه با واژگانی همچون آرزو (امل)، آرزو (امل) و تمنا (تمنی) تقارب معنایی دارد، ولی مترادف آن‌ها نیست؛ چنانکه در آرزو (امل) نیل به مقصود با استبعاد همراه است، ولی در امید (رجاء) دستیابی به هدف، امری ممکن و دست‌یافتنی است. نیز در طمع، فرد بدون فراهم آوردن زمینه‌های لازم - اعم از اسباب درونی و بیرونی - در انتظار نیل به مقصود نشسته است، حال آنکه در امید، توقع تحقق مطلوب پس از فراهم آوردن زمینه‌های مزبور است. همچنین تمناً به فردی اختصاص دارد که نسبت به تحقق اسباب لازم برای رسیدن به مطلوب خویش، تردید دارد و انتظار وی نسبت به تحقق مطلوب خویش، بر مبنای محکمی استوار نیست، ولی امید، انتظار مبتنی بر واقع‌نگری است. این تفاوت‌های ظریف معنایی، موجب می‌شود امید، امری نیکو و پسندیده و امور دیگر همچون طمع، آرزو، تمنا و آرزو اموری مذموم و ناپسند محسوب شوند (برای آگاهی بیشتر از حوزه معنایی واژگان مزبور رجوع شود به: ابو هلال، ۷۳-۷۴، ۱۴۳-۱۴۲ و ۲۴۸؛ مجلسی، ۳۵۵/۶۷-۳۵۲؛ مصطفوی، ۸۰/۴-۷۴).

افزون بر کلمات مترادف و قریب‌المضمون، واژگان متضاد نیز در روشن ساختن حوزه کاربرد معنایی یک واژه حائز اهمیت‌اند. از همین رو لازم است به تقابل داشتن یا نداشتن معنایی واژه «امید» با واژگانی همچون خوف، قنوط، یأس، و ... نگاهی بیافکنیم.

برخی از روی غفلت، واژه بیم و هراس (خوف، رهبه) را متضاداً واژه امید (رجاء) قرار داده‌اند، ولی باید دانست که واژه امید (رجاء) به لحاظ معنایی همواره ملازم با بیم و هراس

(خوف) است. زیرا که فرد امیدوار هرگز به تحقق مطلوب خویش یقین ندارد و همواره از این امر در هراس است که مبادا از نیل به مقصود خویش باز بماند. کاربرد این واژه در قرآن کریم نیز حکایت از همین ملازمه معنایی دارد:

«وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف/۵۶).

«... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» (انبیاء/۹۰).

لذا نه تنها تضادی میان واژه بیم (خوف، رهبه) و امید (رجاء) نیست، بلکه رابطه میان این دو تلازم معنایی است، تا جایی که در زبان عرب گاه واژه امید (رجاء) را برای افاده معنای بیم و هراس (خوف، رهبه) به کار می‌برند: «مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا» (نوح/۱۳) (راغب، ۳۴۵). لغت‌شناسان در کاوش‌های زبان‌شناسی خویش، واژه ناامیدی (یأس، خبیبه و قنوط) را متضاد واژه دانسته و این دو واژه را به لحاظ منطقی غیر قابل جمع خوانده‌اند. (خلیل بن احمد، ۳۳۱/۷؛ ابن منظور، ۲۵۹/۶؛ فیروز آبادی، ۲۶۰/۲؛ زبیدی، ۴۸/۹؛ ابن اثیر، ۲۶۱/۵). امام صادق (ع) نیز در روایتی، «قنوط» را متضاد واژه «رجاء» دانسته‌اند: «من جنود العقل... الرجاء وضده القنوط» (کلینی، ۲۲/۱).

مفهوم امید از منظر اسلام

از منظر اسلام، جوهره و خاستگاه اصلی دو مفهوم بیم (خوف) و امید (رجاء)، به حسن ظن نسبت به پروردگار باز می‌گردد که خود، ریشه در معرفت آدمی به صفات جلال و جمال حق تعالی دارد. به عبارت دیگر، آن گاه که انسان به صفات جمال خدا می‌نگرد و با تدبر در آیات تکوین و تشریح، به گستره رحمت پروردگار در هستی پی می‌برد، بارقه‌ای از امید بر دلش می‌تابد و سعی می‌کند تا با فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای برخوردارگی از رحمت الهی، در گستره رحمانیت خداوند جایی برای خود بگشاید؛ از سوی دیگر آن گاه که آدمی صفات جلال پروردگار خویش را می‌بیند و جلوه‌هایی از قهاریت وی را به تماشا می‌نشیند و

^۱ گرچه این سه واژه بیانگر یک مفهوم اند، اما به لحاظ معنایی تفاوت‌های دقیقی میان آنها وجود دارد، چنانچه واژه «قنوط» برای مبالغه در شدت ناامیدی به کار می‌رود، اما واژه «یأس» می‌تواند به مرتبه نازله ناامیدی هم نظر داشته باشد؛ نیز واژه «خبیبه» تنها پس از دست‌نایافتن فرد به آرمان خویش معنا می‌یابد، اما واژه «یأس» بر مطلق ناامیدی اطلاق می‌شود و محدود به ظرف زمانی خاصی نیست (ابوهلال، ۴۳۶-۴۳۵).

در همان زمان، نیم نگاهی بر کارنامه اعمال خویش می‌افکنند، بیم و هراس (خوف) بر وی مستولی می‌گردد. در این هنگام است که پیشوایان دین، فرمان داده‌اند تا با حسن ظن به پروردگار، امید خویش را متوجه گستره رحمانیت پروردگار، و بیم و هراس خود را متوجه کارنامه اعمال خویش گردانیم و ضمن تلاش برای تعالی خویش، لحظه‌ای از امید به وی غافل نگردیم^۱: «حسن الظن بالله أن لا ترجو إلا الله ولا تخاف إلا ذنبك» (کلینی، ۷۲/۲).

تلازم دو واژه بیم (خوف) و امید (رجاء)، امری است که به بحث‌های واژگانی و زبان‌شناسی محدود نیست و در تعالیم دینی از جایگاه والایی برخوردار است:
 - «لیس من عبد مؤمن إلا و فی قلبه نوران : نور خیفه و نور رجاء، لو وزن هذا لم یزد علی هذا و لو وزن هذا لم یزد علی هذا» (همان، ۶۷/۲).

ملازمه این دو مفهوم، تنها زمانی تحقق بخش مفهوم امیدواری به خداوند است که هر دو در نقطه تعادل قرار داشته باشند. بنابراین، دو مفهوم پسندیده بیم (خوف) و امید (رجاء)، بین مفاهیم نکوهیده «یأس» و «امن»^۲ قرار دارند، چونانکه اگر در بیم، افراط و در امید، تفریط شود، حالت یأس و بدبینی نسبت به خداوند پدید می‌آید و نکوهش پروردگار را به همراه می‌آورد: «و لا تَیَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ إِنَّهُ لَا یَیَاسُ مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْکَافِرُونَ» (یوسف/۸۷). همچنین اگر در امید، افراط و در بیم، تفریط شود، حالت امید، جای خویش را به حالت فراغت خاطر و جسارت بر پروردگار داده و مذمت را به دنبال خواهد داشت: «أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللّٰهِ فَلَا یَأْمَنُ مَكْرَ اللّٰهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ» (اعراف/۹۹).

از این رو انسان مؤمن باید امید به خداوند را سرلوحه زندگی خویش قرار داده و در عین حال، همواره بیم آن را داشته باشد که مبادا گناه و غفلتی، موجب حرمان او از رحمت خداوند گردد. نحوه چینش آیات رحمت و عذاب در قرآن کریم و نیز سخنان ائمه هدی (ع) از ضرورت همین توازن حکایت می‌کند: «لو وزن رجاء المؤمن و خوفه لا اعتدلا» (طبرسی، مجمع البیان، ۳۶۷/۲).

درباره امیدوار کننده ترین آیه قرآن کریم

با توجه به اهمیت مفهوم امید به رحمت پروردگار در آئین اسلام، مسلمانان همواره

^۱. برای آگاهی بیشتر رک: تنوخی، ۴۰/۱؛ مازندرانی، ۲۱۷/۸-۲۱۴ و ۲۲۰-۲۲۶؛ مجلسی ۳۵۵/۶۷.
^۲. «قال الامام الصادق (ع): الکبائر، القنوط من رحمة الله و الیأس من روح الله والأمن من مکر الله ...».

می‌خواستند بدانند خداوند سایه رحمت خود را تا کجا بر سر آنان، مستدام و آغوش گرم خویش را تا کجا برای آن‌ها گشوده است. از همین رو، تعیین امیدوار کننده‌ترین آیه قرآن از دیر باز، اندیشه دانشمندان اسلامی و قرآن‌پژوهان را به خود مشغول ساخته که حاصل این اندیشه ورزی ها - تا آنجا که بررسی شد - در قالب سی و دو دیدگاه، قابل ارزیابی است:^۱

۱- «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ»

(بقره/۶۴).

در این دیدگاه که صدرالمতألّهین شیرازی (د. ۱۰۵۰ ق.) آن را ارائه نموده (صدرالدین شیرازی، ۴/۶۳۳) تأکید بر توبه پذیری پروردگار نسبت به گناهکارانی است که توبه را ابزار بازگشت به درگاه الهی قرار می‌دهند. صدرالمتألّهین با استناد به سیاق آیه، معتقد است از آنجا که خداوند، پس از ذکر بزرگ‌ترین گناهان قوم بنی اسرائیل همچون گوساله پرستی، کفران نعمت، انکار نبوت و نقض پیمان الهی، باز از فضل و رحمت خویش بر آن‌ها سخن به میان می‌آورد و معلوم می‌دارد که اگر عفو و آمرزش خداوند شامل حال آن‌ها نمی‌گردید، از خسارت زدگان بودند، آشکار می‌گردد که باب آمرزش و مغفرت خداوند، همواره به روی بندگان گناهکار گشوده است و عظمت گناه، مانع بخشش پروردگار نمی‌شود. از همین روست که این آیه یکی از امیدوار کننده‌ترین آیات قرآن به شمار می‌رود.

۲- «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لِيُظَمِّنَ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره/۲۶۰).

در این دیدگاه که در اصل به ابن عباس (د. ۶۸ ق.) منتسب است، (صنعانی، ۱/۱۰۶؛ طبری، ۳/۳۴؛ ابن خالویه، ۳۰۹؛ ابن عطیه، ۳۵۲/۱؛ حاکم نیشابوری، ۶۰/۱ و ۲۶۱/۴؛ زرکشی، ۴۴۷/۱؛ ابن حجر، ۴۱۳/۸؛ سیوطی، در المثنور، ۳۳۵/۱؛ الاتقان، ۴۲۸/۲) جنبه امید بخشی آیه به تسهیل امر ایمان بر مؤمنان و در نتیجه، تسهیل امر حسابرسی بر آن‌ها باز می‌گردد. زیرا رضایت خداوند به گفتار حضرت ابراهیم در پاسخ به ندای «أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ»، دال بر این است که خداوند صرف اقرار به ایمان را می‌پذیرد و متعرض خطوراتی که گاه، ناخواسته عارض ذهن آدمی می‌گردد، نمی‌شود و این، خود نشانگر آن است که خداوند در هنگام حسابرسی، از وسوسه‌های نفسانی باز خواست نمی‌کند (ابن ابی حاتم، ۲۰۹/۲؛ حاکم نیشابوری، ۶۰/۱؛ ابن

^۱ زرکشی در البرهان و سیوطی در الاتقان، حدود ۱۵ دیدگاه از دیدگاه‌های مطرح در این عرصه را گردآوری نموده‌اند.

کثیر، ۵۲۹/۱؛ سیوطی، در المثنور، ۳۳۵/۱).

گرچه مفسران برای این دیدگاه، دو وجه دیگر نیز بیان نموده‌اند:

• نوع رابطه حضرت ابراهیم با خداوند متعال و اجابت درخواست به ظاهر غیر معمول و شگفت او از جانب پروردگار، آدمی را نسبت به استجابت خواسته های خویش، امیدوار و جری می‌سازد (قرطبی، ۲۹۸/۳).

• ندای خداوند خطاب به حضرت ابراهیم با عبارت «أَوْ لَمْ تُؤْمِنِ»، دال بر تسهیل پدیده ایمان بر بندگان است. به عبارت دیگر، این فراز از آیه بر این امر دلالت دارد که صرف ایمان کفایت می‌کند و نیازی به این نیست که انسان با وجود آن، به تعمق و کاوش در مفاهیم اعتقادی بپردازد (همان).

۳- «بِأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ لِيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَ لِيُمِلَّ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لِيَقِّقَ اللَّهُ رَبَّهُ وَ لَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا ...» (بقره/۲۸۲).

منابع تفسیری و روایی از صاحبان این دیدگاه، سخنی به میان نیاورده و تنها، دیدگاه مزبور را یکی از دیدگاه های مطرح درباره «امیدوار کننده ترین آیه قرآن»، ذکر کرده‌اند (زرکشی، ۴۴۶/۱؛ ابن حجر، ۴۱۳/۸؛ سیوطی، الاتقان، ۴۲۹/۲). در این دیدگاه، چشم امید به سوی دستگیری پروردگار از مسلمانان در قیامت است. زیرا آن گاه که خداوند متعال جزئی ترین مصالح دنیوی مسلمانان را مورد عنایت قرار داده و برای حفظ امنیت مالی جامعه اسلامی، به ارائه راهکار پرداخته است، بدیهی است که جدی ترین مصالح اخروی آن‌ها را نادیده نگرفته و در شرایط سخت سرای آخرت، آن‌ها را از یاد نخواهد برد (زرکشی، ۴۴۶/۱؛ سیوطی، الاتقان، ۴۲۹/۲).

۴- «وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ فَاسْتَغْفِرْ لَهُ اللَّهُ» (آل عمران/۱۳۵).

بنا بر گزارشی روایی، روزی حضرت علی (ع) از مردم درباره امیدوار کننده ترین آیه قرآن کریم پرسش نمود و جماعتی از مردم که نامشان در منابع به ثبت نرسیده است، به آیه مزبور اشاره کرده‌اند^۱ (عیاشی، ۱۶۱/۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۵۰۸/۵) نیز، سیوطی بنا بر محتوای

^۱ «عن أبي حمزة الثمالي قال: سمعت أحدهما (عليهما السلام) يقول: «إن عليا (عليه السلام) أقبل على الناس، فقال: أي آية في كتاب الله أرجى عندكم؟... و قال بعضهم: وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ، قال: حسنة و ليست إياها».

روایتی از ابن مسعود، این آیه را در فهرست «امیدوار کننده ترین آیات قرآن کریم» آورده است (سیوطی، الاتقان، ۴۲۹/۲).

گفتار ابن مسعود در توجیه این دیدگاه، یادآور آن است که گناهکاران امت‌های پیشین همچون قوم بنی اسرائیل، برای توبه شرایط سختی پیش رو داشتند و گاه، به محض ارتکاب گناه، کفاره و نشانه گناهکاری بر آستانه خانه‌هایشان نقش می‌بست، ولی خداوند متعال امت اسلامی را مورد عنایت خاص خویش ساخته و گفتن ذکر استغفار را کفاره و مایه آمرزش گناهان آن‌ها قرار داده است.

۵- «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَ يُوْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء/۴۰).

بنا بر گزارش‌هایی روایی، ابن مسعود (د. ۳۲ ق.) از باورمندان به این دیدگاه است (ثعالبی، ۶۱۶/۵). نیز، روایتی از ابن عباس (د. ۶۸ ق.) در دست است که این آیه را از جمله هشت آیه برتر سوره نساء دانسته و سیوطی با توجه به محتوای این آیات، همه آن‌ها را در فهرست «امیدوار کننده ترین آیات قرآن کریم» آورده است (سیوطی، الاتقان، ۴۲۹/۲).

گر چه منابع و مآخذ، وجه امید بخشی این آیه را مسکوت گذاشته‌اند، ولی چنین به نظر می‌رسد که در این دیدگاه، تأکید بر رحمت خداوند در نظام جزا و پاداش باشد، چنانچه در عقاب، به حد اقل اکتفا نموده و تنها بنده را به میزان گناه مجازات می‌کند؛ اما در ثواب، فضل و رحمت بی کران خویش را معیار پاداش دهی به فرد قرار می‌دهد.

۶- «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» (نساء/۱۱۶).

این اندیشه در منابع روایی و تفسیری، به حضرت علی (ع)^۱ (ترمذی، ۳۱۳/۴؛ ثعلبی، ۳۲۵/۳) و امام سجّاد (ع)^۲ (واحدی، ۱۶؛ سیوطی، الاتقان، ۴۲۸/۲) منتسب است و شاید با تاسی به همین روایات، برخی مفسران نامور شیعه همچون شیخ طبرسی (د. ۵۴۸ ق.) (طبرسی، جوامع الجامع، ۲۶۱/۱) طیب (د. ۱۴۱۱ ق.) (طیب، ۲۰۸/۴) و سید عبد الاعلی سبزواری (د. ۱۴۱۴ ق.) (سبزواری، ۲۶۱/۸) این آیه را امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم دانسته‌اند. همچنین بنا بر گزارشی روایی، آن گاه که امام علی (ع) از مردم درباره امیدوار کننده ترین آیه

^۱ «حکي عن علي (ع): أن أرجى آية في القرآن قوله: وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ».

^۲ «عن علي بن الحسين بن واقد، حدّثني أبي، قال سمعت علي بن الحسين يقول: ... وأرجى آية في القرآن لأهل التوحيد: إِنَّ اللَّهَ اللَّهُ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ».

قرآن کریم سؤال نمود، این دیدگاه، یکی از دیدگاه های مطرح شده از سوی مخاطبان آن حضرت بود^۱ (عیاشی، ۱۶۲/۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۳۰۶/۵).

وجه گزینش این آیه به عنوان امید بخش ترین از آن روست که در آن از تعلق آموزش خداوند به همه گناهان یکتا پرستان، از مجرای غیر از مجرای توبه سخن به میان آمده است. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه خداوند حتی گناه شرک را نیز از طریق توبه می آمرزد، فراز «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» در این آیه شریفه، حکایت گر این است که خداوند در اینجا آموزش بدون توبه گناهان را محور کلام قرار داده است؛ لذا می توان گفت این آیه بالاترین درجه عطف پروردگار نسبت به اهل توحید را برای ما به تصویر کشیده و از همین رو، نوید بخش ترین آیه قرآن کریم محسوب می گردد (طبرسی، جوامع الجامع، ۲۶۱/۱؛ مجمع البیان، ۸۹/۳-۸۸؛ سبزواری، ۲۶۵/۸ و ۲۶۷).

۷- «ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ» (انعام/۶۲).

برخی از مفسران آیه را امیدوار کننده ترین آیه دانسته اند. زیرا این آیه، جایگاه جان آدمی را پس از مرگ، آغوش گرم پروردگار می داند و با عبارت «مولا هم الحق»، به رابطه ولایی خداوند با بندگان اشاره می کند؛ از همین رو طبیعی است که ما را به عنایات نهفته در میزبانی پروردگار در سرای آخرت، امیدوار سازد و بیم و هراس را از دل ما بزداید، چه آنکه هیچ چیز برای یک بنده بهتر از بازگشت به سوی ارباب مهربانش نیست (مبیدی، ۳۸۸/۳؛ آلوسی، ۴/۱۸۱).

۸- «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام/۸۲).

از نگاه قرطبی (د. ۶۷۱ ق.) این آیه امید بخش ترین آیه قرآن کریم است (قرطبی، ۳۲۳/۱۱). گر چه وی درباره علت گزینشش توضیحی نمی دهد، ولی از ظاهر آیه و نیز از حاصل گفتار وی در تفسیر آن، چنین به نظر می رسد که علت این امر، به سیاق آیه باز گردد. چه آنکه خداوند ابتدا در آیه پیشین، از گفتار حضرت ابراهیم خطاب به مشرکان پرده بر می دارد: «فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و آن گاه در آیه بعد، به داوری میان مشرکان و یکتا پرستان نشسته، امنیت و آسایش دو گیتی را چنین به یکتا پرستان وعده می دهد: «أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ». بنابراین، این آیه ضمانت کننده سعادت ابدی برای یکتا پرستان است. ضمن اینکه قرطبی روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که شرک را مصداق انحصاری ظلم

^۱ «عن أبي حمزة الثمالي قال: سمعت أحدهما يقول: ان علياً عليه السلام أقبل على الناس فقال: أي آية في كتاب الله أرجى عندكم؟ فقال بعضهم: «ان الله لا يغفر ان يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء...».

در آیه شریفه معرفی ساخته و دیگر گناهان را از دایره شمول آن بیرون دانسته است: «فی الصحیحین عن ابن مسعود لما نزلت «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» شق ذلك على أصحاب رسول الله (ص) و قالوا: أينا لم يظلم نفسه؟ فقال رسول الله صلى الله عليه و سلم: ليس هو كما تظنون إنما هو كما قال لقمان لابنه «يا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (همان).

۹- «قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف/۱۵۶).

ابو عثمان نه‌دی (د. ۹۵ ق.) از کسی که نامش بر ما آشکار نیست، گزارشی نقل می‌کند مبنی بر اینکه این آیه امید بخش‌ترین آیه قرآن است.^۱ گر چه وی خود، این دیدگاه را نپذیرفته و آیه مزبور را نا امید کننده ترین آیه خوانده است. زیرا خداوند در آن، فقط از اختصاص رحمت خویش به تقوایندگان و پارسایان خبر می‌دهد. (سلمی، ۱/ ۲۴۵)

۱۰- «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يُعْوَدُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ» (انفال/۳۸).

زرکشی و سیوطی، در فهرست امید بخش‌ترین آیات قرآن کریم، از این آیه شریفه یاد می‌کنند. زیرا آیه مزبور اثبات گر این است که خداوند به محض ورود کافران به وادی ایمان و گفتن شهادتین، باب رحمت و غفران خویش را به روی آن‌ها خواهد گشود. در این صورت، بدیهی است که ساکنان همیشگی وادی ایمان را از یاد نبرد و از رحمت و آمرزش خویش نسبت به آن‌ها دریغ نرزد (زرکشی، ۱/ ۴۲۷؛ سیوطی، الاتقان، ۲/ ۲۹).

۱۱- «وَ آخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه/۱۰۲).

ابو عثمان نه‌دی (د. ۹۵ ق.) در اعتراض به کسانی که آیه ۱۵۶ سوره اعراف را امید بخش‌ترین آیه قرآن می‌خواندند، آیه مزبور را جایگزین آن ساخته است (طبری، ۱۱/ ۱۲؛ ابن عطیه، ۳/ ۷۷؛ طبرسی، مجمع البیان، ۵/ ۱۰۰؛ غرناطی، ۱/ ۳۴۷؛ ابوحیان، ۵/ ۴۹۹؛ سیوطی، الاتقان، ۲/ ۴۲۸)؛ زیرا در این آیه، رحمت الهی به پرهیزکاران مختص نگردیده و خداوند همه اهل ایمان را نوید بخشیده که هرگاه مرتکب خطا و لغزشی گشتند، با روی آوردن به درگاه

^۱ نیز برخی چون فتال نیشابوری (د. ۵۰۸ ق.) و ملا صالح مازندرانی (۲۵۶/۹) بر این باورند که گر چه آیه مزبور، امیدبخش‌ترین آیه قرآن نیست، ولی در فهرست آن به شمار می‌رود.

الهی و اعتراف به گناهان خویش، آمرزش و رحمت خداوند را امیدوار باشند. (ابن عطیه، ۷۷/۳؛ طیب، ۳۰۴/۶؛ مکارم شیرازی، ۱۹۸/۶؛ مراغی، ۱۴/۱۱)

۱۲- «خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ» (هود/۱۰۷).

در این دیدگاه که به ابراهیم نخعی (د. ۹۶ ق.) منتسب است، جنبه امید بخشی آیه متوجه اهل دوزخ است. زیرا آیه مزبور اثبات گر امکان رهایی از خلود در دوزخ با اذن و مشیت پروردگار است و جمله «إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ» شماری از دوزخیان را از خلود در عذاب مستثنی می‌سازد؛ لذا می‌توان گفت اهل دوزخ، آیه‌ای نوید بخش تر از این را در قرآن نمی‌یابند (سیوطی، در المنثور، ۳۵۰/۳؛ شوکانی، ۵۹۸/۲؛ آلوسی، ۳۴۰/۶).

۱۳- «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفَا مِنْ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ» (هود/۱۱۴).

این دیدگاه، برگرفته از حدیث نبوی است^۱ (عیاشی، ۱۶۱/۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۳۰۶/۵). مفسران در وجه تعیین این آیه به عنوان امیدوار کننده ترین آیه قرآن کریم، به تأثیر نماز در آمرزش گناهان اشاره می‌کنند (مکارم شیرازی، ۹۲/۷؛ فضل الله، ۱۴۴/۱۲). پیامبر اکرم نیز همین وجه را تذکر داده و معلوم می‌دارد که نماز همچون چشمه ای است که مؤمنان روزی پنج بار جان خویش را در آن شست و شو داده و از این طریق، با زدودن آرایش‌های روحی، دگر بار صفای باطن خویش را باز یابند. نماز نه تنها مایه آمرزش گناهان است، بلکه آن‌ها را به حسنه تبدیل ساخته و آثار گناه را از لوح جان آدمی می‌زداید: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»^۲.

۱۴- «وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ» (رعد/۶).

گزینش این آیه به عنوان امید بخش ترین آیه قرآن کریم به حضرت علی (ع) (طوسی، ۳۷/۹) منسوب است. نیز همین دیدگاه از ابن عباس (د. ۶۸ ق.) (نحاس، ۱۳/۴؛ ابن خالویه،

^۱ «عن ابي حمزة ثمالی قال سمعت أحدهما عليه السلام يقول ان عليا عليه السلام قال ... سمعت حبيبي رسول الله (ص) يقول أرجى آية في كتاب الله «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ» ... ثم قال (ص): يا علي، و الذي بعثني بالحق بشيرا و نذيرا ان أحدكم ليقوم من وضوئه فتساقط عن جوارحه الذنوب فإذا استقبل الله بوجهه لم ينفتل و عليه من ذنوبه شيء و يكون كما ولدته أمه فأن أصاب شيئا بين الصلاتين كان له مثل ذلك حتى عدّ الصلوات الخمس ثم قال يا علي أنما منزلة الصلوات الخمس لأمتي كنهجر جار على باب أحدكم فما يظن أحدكم لو كان في جسده درن ثم اغتسل في ذلك النهر خمس مرأت أ كان يبقى في جسده درن فكذلك و الله الصلوات الخمس لأمتي».

^۲ «قال الامام علي (ع) : ان الصلوات الخمس كفارة لما بينهن ما اجتنبت الكبائر و هي التي قال الله عز و جل: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (مغربی، ۱۳۵/۱).

ص ۳۰۸؛ طوسی، ۳۷/۹؛ زرکشی، ۴۴۷/۱) و سدّی (د. ۱۲۸ ق.) (مظهری، ۲۱۶/۵؛ آل غازی، ۳۸/۶) هم نقل شده است. سدّی در توجیه این دیدگاه، به مجرای آمرزش گناهان در این آیه اشاره می‌کند. وی بر این باور است که عبارت «عَلَى ظُلْمِهِمْ» در این آیه شریفه، گواه بر امکان آمرزش گناهان، غیر از توبه، یعنی فضل و مشیت پروردگار است. زیرا با وجود توبه، دیگر گناهی باقی نمی‌ماند تا عبارت «عَلَى ظُلْمِهِمْ» مفهوم داشته باشد. بنابراین، آیه مزبور باب تازه‌ای از امید را به روی گناهکاران از اهل ایمان گشوده و از همین روست که امیدوار کننده‌ترین آیه قرآن کریم به شمار می‌آید (همان).

۱۵- «نَبِيٌّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (حجر/۴۹).

بنا بر گزارش‌های تاریخی، عثمان بن عفان (د. ۳۵ ق.) این آیه را نوید بخش‌ترین آیه قرآن می‌دانسته است (قرطبی، ۳۲۲/۱۱؛ ابو حیان، ۱۰۵/۷؛ آلوسی، ۱۲۱/۸). مآخذ، توضیحی درباره وجه این دیدگاه ارائه نکرده‌اند؛ هرچند ظاهر آیه، از گسترش مغفرت خداوند نسبت به همه بندگان حکایت دارد.

۱۶- «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (اسراء/۸۴).

منابع روایی این دیدگاه را به ابوبکر بن ابی قحافه (د. ۱۳ ق.) منتسب می‌دانند (قرطبی، ۳۲۲/۱۱؛ آلوسی، ۱۲۱/۸؛ زحیلی، ۱۵۶/۱۵). برخی منابع نیز بدون ذکر نام اشخاص، تنها از این دیدگاه یاد کرده‌اند (ابن حجر، ۴۱۳/۸؛ سیوطی، الاتقان، ۴۲۸/۲؛ شبر، ۴۰/۴). با توجه به عمومیت واژه «کل» در عبارت «كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» که همه موجودات، اعم از ممکن و واجب را شامل می‌گردد، می‌توان گفت اگر از نفس ضعیف ما چیزی جز گناه و خطا سر نمی‌زند، از پروردگار نیز چیزی جز آمرزش و غفران، انتظار نمی‌رود. به عبارت دیگر، «از کوزه همان برون تراود که در اوست»؛ لذا این آیه، گستره رحمت الهی را به مقتضای ذات پروردگار اثبات می‌سازد (طبرسی، مجمع‌البیان، ۳۵۲/۱؛ قرطبی، ۳۲۲/۱۱؛ شبر، ۴۰/۴).

۱۷- «إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى» (طه/۴۸).

از آنجا که این آیه، عذاب را نسبت به حقّ ستیزان و جویندگان باطل روا می‌داند، مفهوم مخالف آن بر این دلالت دارد که اهل ایمان از عذاب الهی در امان‌اند (ابن حجر، ۴۱۳/۸). از این رو، کسانی مانند ابن عباس (د. ۶۸ ق.) این آیه را امیدوار کننده‌ترین آیه قرآن دانسته‌اند (ثعلبی، ۲۴۳/۶؛ قرطبی، ۲۰۳/۱۱؛ زحیلی، ۲۲۰/۶). برخی مآخذ نیز از این دیدگاه، بدون اشاره به گوینده آن یاد نموده‌اند (میبدی، ۱۱۸/۶؛ زرکشی، ۴۴۷/۱؛ سیوطی، الاتقان، ۴۲۸/۲).

۱۸- «وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِيُعْتَمُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور/۲۲).

از آنجا که خداوند در این آیه شریفه امت اسلامی را به احسان و نیکی در حق گناهکاران واقعه شوم افک فرا می‌خواند، کسانی چون عبدالله بن مبارک (د. ۱۸۱ ق.) آن را امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم نامیده‌اند (مسلم، ۱۱۷/۸؛ قرطبی، ۱۹۵/۱۳؛ ابن حجر، ۴۱۳/۸). ابن عطیه در نقد این دیدگاه بر این باور است که آیه مزبور تنها از تفضل خداوند بر گروهی از مسلمانان در دنیا خبر می‌دهد، ولی آیات امید بخش قرآن کریم، آیاتی هستند که به آمرزش و رحمت الهی بر بندگان در آخرت می‌پردازند. از این رو، اگر بخواهیم این آیه را امید بخش‌ترین آیه قرآن بدانیم، باید عبارت «وليعفوا و ليصفحوا» را مبنا قرار داده و چنین استدلال کنیم که آن گاه که خداوند ما را به عفو و گذشت فرا می‌خواند، بدیهی است که خود، در سرای آخرت، رحمت و مغفرتش را از بندگان دریغ نمی‌دارد (ابن عطیه، ۱۷۳/۴).

۱۹- «وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا» (احزاب/۴۷).

وعده تفضل و عنایت ویژه خداوند به اهل ایمان در این آیه شریفه، موجب گردیده است که عبد الحق بن غالب (پدر ابن عطیه) (د. ۵۱۸ ق.) آن را امیدوار کننده‌ترین آیه قرآن کریم به شمار آورد (ابن عطیه، ۱۷۳/۴ و ۳۹۰؛ قرطبی، ۲۰۸/۱۳ و ۲۰۱/۱۴؛ ابن عاشور، ۲۸۴/۲۱).

۲۰- «ذَلِكَ جَزَاءُ مَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ» (سبأ/۱۷).

منابع، بدون اشاره به نام صاحبان این دیدگاه، تنها آن را ذکر کرده‌اند (زرکشی، ۴۴۷/۱؛ ابن حجر، ۴۱۳/۸؛ سیوطی، الاتقان، ۴۲۸/۲). وجه تعیین این آیه به عنوان امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم از آن روست که کیفر الهی را به کافران منحصر گردانیده و از همین رو دلالت بر این دارد که حق پرستان از کیفر الهی مصون هستند (ابن حجر، ۴۱۳/۸).

۲۱- «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ

السَّعِيرِ» (فاطر/۶).

رابعه عدویه (د. ۱۳۵ ق.) بر این باور است که خداوند در این آیه شریفه، با معرفی شیطان به عنوان دشمن مردمان، در حقیقت، خویش را بهترین دوست آن‌ها دانسته و مردم را به برقراری رابطه دوستانه با پروردگارشان فرا خوانده است. از این رو، آیه یاد شده، امیدوارکننده‌ترین آیه قرآن کریم به شمار می‌آید (سلمی، ۱۵۸/۲).

۲۲- «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر/۵۳).

اصل این دیدگاه که مشهورترین دیدگاه‌ها درباره امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم است، در منابع تفسیری به حضرت علی (ع)^۱ منسوب است (قشیری، ۲۸۷/۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۷۸۴/۸؛ ابو حیان، ۱۰۵/۷ و ۴۱۶؛ ۱۴۴/۹). نیز تا آنجا که بررسی گردید، کسانی همچون ابن مسعود (د. ۳۲ ق.) (سمرقندی، ۱۹۱/۳؛ ابن عطیه، ۵۳۶/۴؛ سیوطی، الدر المثور، ۳۲۲/۱)، عبد الله بن عمرو بن عاص (د. ۶۵ ق.) (طوسی، ۳۷/۹؛ ابن کثیر، ۵۲۹/۱) یا عبدالله بن عمر (د. ۷۳ ق.) (نجاس، ۱۳/۴؛ ابن عطیه، ۵۳۶/۴؛ سیوطی، الاتقان، ۴۲۸/۲)، جماعتی از اهل عراق^۲ (حسکانی، ۴۴۷/۲؛ میبیدی، ۵۲۴/۱۰؛ قرطبی، ۹۶/۲۱)، ابن سیرین (د. ۱۱۰ ق.) (ابو الفتوح، ۳۳۸/۱۶)، تستری (د. ۲۸۳ ق.) (۴۱۳)، ابن عطیه (د. ۵۴۲ ق.) (۱۷۳/۴)، شوکانی (د. ۱۲۵۰ ق.)^۳ (۵۳۸/۴)، آلوسی (د. ۱۲۷۰ ق.) (۱۴/۶)، سبزواری نجفی (د. ۱۴۰۹ ق.) (ارشاد الازهان، ۴۶۹)، مناوی (د. ۱۳۰۱ ق.) (۹/۲؛ ۵۲۴/۵) و صادقی تهرانی (۲۰۸/۱۶؛ ۳۵۹/۲۵) این دیدگاه را برگزیده‌اند.

برخی نیز از این دیدگاه، بدون ذکر نام، یاد کرده‌اند (ابن خالویه، ۳۰۸؛ قرطبی، ۲۰۸/۱۳؛ ابن حجر، ۴۱۳). ضمن اینکه در روایتی که حضرت علی (ع) از مردمان درباره امید بخش‌ترین آیه قرآن پرسید، شماری از افراد این آیه را مطرح ساختند که نامشان در منابع به ثبت نرسیده است^۴ (عیاشی، ۱۶۱/۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۰/۷۶۴).
به نظر می‌رسد که تمام واژگان و عبارتهای این آیه، نغمه امید را در گوش بندگان گناهکار زمزمه می‌کنند؛ برای نمونه:

۱- گزینش عبارت «یا عبادِی»، به جای عبارت «یا ایها العصاة» و نیز ترجیح عبارت «أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ» بر «اخطوا»، دلالت بر رحمت خداوند نسبت به بندگان گناهکار دارد.

^۱ «ما في القرآن آية أوسع من يا عبادي الذين أسرفوا...».

^۲ «محمد بن علي عليهما السلام عن عمه محمد الحنفية عن أبيه أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: أشفع لأمتي حتى يناديني ربي: أرضيت يا محمد؟ فأقول: نعم يا رب! رضيت. ثم إن أمير المؤمنين التفت إلى جماعة وقال: يا أهل العراق، تزعمون أن أرجى آية في كتاب الله عز وجل: "يا عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم..." الآية، وأنا أهل البيت نقول أرجى آية في كتاب الله: "وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى..."».

^۳ «واعلم أن هذه الآية أرجى آية في كتاب الله سبحانه لاشتمالها على أعظم بشارة...».

^۴ «عن أبي حمزة الثمالي قال: سمعت أحدهما يقول إن علياً ع أقبل على الناس فقال: أي آية في كتاب الله أرجى عندكم؟ ... فقال بعضهم: "يا عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم لا تقنطوا من رحمة الله" ...».

۲- تعبیر از گناهکاران با عبارت «عباد»، اشاره به این است که گناهکاران، بندگان خدا هستند و بنده در هر موقعیتی، به مهربانی و عطف اربابش نیازمند است.

۳- خداوند در این آیه شریفه، بندگان گناهکار را به خویش، اضافه و از آن‌ها با عنوان «عبادی» یاد می‌کند که این امر، خود از رحمت حضرت خداوند نسبت به بندگان حکایت دارد.

۴- عبارت «یا عِبَادِ الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلٰی اَنْفُسِهِمْ»، نصیحت پدری را به یاد می‌آورد که دلسوزانه از فرزندش می‌خواهد از ستم در حق خویش دست بردارد. گویا خداوند با این عبارت، والاترین درجه دلسوزی و شفقت خویش را بر بندگان به تصویر کشیده است.

۵- نهی بندگان از ناامیدی و دعوت آن‌ها به امید به رحمت پروردگار، خود دریچه امید را به روی بندگان گناهکار می‌گشاید.

۶- خداوند در جمله «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا»، برای اینکه بندگان را به سعه مغفرت خویش امیدوار سازد، جمله را با سه تأکید همراه نموده است: حرف «إِنَّ» در ابتدای جمله، حرف «الف و لام جنس» بر سر واژه «ذُنُوب»، و واژه «جَمِيعًا» در انتهای جمله.

۷- فراز «إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» در قسمت پایانی آیه، امیدواری را به اوج می‌رساند، به ویژه که برای توصیف پروردگار به این دو صفت، از اوزانی استفاده شده است که به لحاظ معنایی مفید دوام و مبالغه است. همچنین این عبارت با سه تأکید بیان شده است: حرف «إِنَّ»، ضمیر فصل و معرفه بودن خبر.

۸- تقدیم صفت «غفور» بر «رحیم» در آیه شریفه، به دلیل این است که می‌خواهد از نهایت توجه پروردگار نسبت به آمرزش گناهان بندگان حکایت کند (بیضاوی، ۴۶/۵؛ ابو حیان، ۲۱۲/۹؛ شوکانی، ۵۳۹-۵۳۸/۴؛ مدرسی، ۵۱۳/۱۱-۵۱۲؛ شبّر، ۵۲۲/۵؛ آل غازی، ۵۵۰/۳).

لازم به یادآوری است که به گواهی سیاق آیه و نیز با توجه به آیات دیگر، روشن می‌گردد که منظور از آمرزش در آیه مزبور، آمرزش از راه توبه است. زیرا با توجه به اینکه مخاطب اصلی در این آیه مشرکان هستند، نیز با آگاهی از این امر که خداوند در آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»، شرک را از گناهایی که بدون توبه نیز قابلیت آمرزش را دارند، مستثنی ساخته است؛ همچنین با عنایت به آیه بعد^۱ که به لحاظ مضمون، امتداد همین آیه محسوب گردیده و گناهکاران را به توبه و عمل صالح فرا می‌خواند «وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ

^۱ «وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلَمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (زمر/۵۴).

أَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ»، آشکار می‌گردد که خداوند در این آیه، آمرزش گناهان از راه توبه را محور سخن قرار داده است (نحاس، ۱۳/۴؛ ابن کثیر، ۹۶/۷؛ ابوحیان، ۲۲۱/۹؛ قرشی، ۳۱۱/۹؛ صادقی تهرانی، ۳۶۴/۲۵؛ طباطبایی، ۲۸۱/۱۷-۲۷۸). بنابراین گفتار کسانی^۱ که صرف اطلاق آیه را نشانی از دلالت آن بر آمرزش بدون توبه گناهان دانسته‌اند، گفتاری بی اساس است.

۲۳- «غَافِرِ الذَّنْبِ وَ قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ...» (مؤمن/۳).

این دیدگاه در منابع روایی و تفسیری به یحیی بن معاذ رازی (د. ۲۵۸ ق.) (ثعلبی، ۸/۲۶۸) و نیز به ابو بکر بن ابی قحافه (د. ۱۳ ق.) (ابوحیان، ۱۰۵/۷) یا عمر بن خطاب (د. ۲۳ ق.) (قرطبی، ۳۲۲/۱۱؛ آلوسی، ۱۴۴/۸؛ آل غازی، ۵۵۹/۲) منتسب است. آن‌ها در توجیه گفتار خویش به تقدّم غفران بر توبه پذیری استناد کرده و بر این باورند که از آنجا که در این آیه شریفه، آمرزش گناهان پیش از قبول توبه بیان شده است، بر این دلالت دارد که خداوند، گناهان اهل ایمان را بدون توبه نیز می‌آمرزد و از همین رو آیه یاد شده، امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم به شمار می‌آید (همان).

۲۴- «وَ أَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ» (مؤمن/۴۳).

حمدون القصار (د. ۷۱ ق.)، این دیدگاه را یادآور شده (ابن عجبیه، ۱۳۸/۵)، ولی از وجه آن سخنی نگفته است. شاید او نیز مانند کسانی که آیه «ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ» (انعام/۶۲) را امیدوار کننده‌ترین آیه قرآن دانسته‌اند، به عنایات نهفته در میزبانی پروردگار در سرای آخرت چشم امید داشته است.

۲۵- «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ

أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت/۳۰).

در این دیدگاه که به ابن عباس (د. ۶۸ ق.) منسوب است (ابن کثیر، ۱۶۱/۷؛ سیوطی، *الاتقان*، ۴۲۹/۲)، گرچه علت گزینش این آیه به عنوان امیدوار کننده‌ترین آیه قرآن کریم بیان نشده است، ولی به نظر می‌رسد که دادن وعده نیک فرجامی به پایمردان یکتا پرستی و انتفاء بیم و اندوه از آن‌ها در این آیه شریفه، زمینه ساز چنین دیدگاهی گردیده است.

۲۶- «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ» (شوری/۱۹).

برخی از مآخذ، فقط این آیه را یادآور شده ولی به نام گویندگان این دیدگاه و وجه نوید

^۱ برای نمونه ن.ک: طوسی، ۳۷/۹؛ بیضاوی، ۴۶/۵.

بخشی آیه مزبور اشاره ای نکرده‌اند (فتال، ۵۰۱؛ ابن عطیه، ۱۷۳/۴؛ ثعالبی، ۱۷۹/۴). گویا مبنای این دیدگاه، به دلالت واژه «لَطِيف» باز می‌گردد که از دوام لطف و عنایت پروردگار نسبت به همه بندگان حکایت دارد.

۲۷- «وَهُوَ الَّذِي يُقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْفُرُونَ»

(شوری/۲۵).

برخی بر این باورند که از آنجا که این آیه شریفه، شرطی برای پذیرش توبه بندگان، یادآور نشده و حدی برای میزان گناهان آمرزیده شده تعیین نساخته است، امیدوار کننده ترین آیه قرآن کریم به شمار می‌آید (سبزواری نجفی، /ارشاد الاذهان، ۴۹۱).

۲۸- «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (شوری/۳۰).

این آیه شریفه از آن حکایت دارد که خداوند یا مصیبت‌ها و سختی‌های زندگی را کفاره گناهان اهل ایمان قرار می‌دهد و یا با عفو و بخشش خویش، آثار گناه را از کارنامه اعمال آن‌ها می‌زداید. هر کدام از این دو شیوه که در حق اهل ایمان، اعمال گردد، کیفر الهی از ایشان در سرای آخرت را خواهد زدود؛ زیرا اگر خداوند، کسی را در دنیا با سختی‌ها کیفر دهد، دگر بار، او را در آخرت کیفر نخواهد نمود و اگر از فردی درگذرد، هرگز از گذشت خویش منصرف نخواهد گردید؛ لذا روایتی منسوب به حضرت علی (ع) آیه مزبور را امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم به شمار آورده است (ابن حنبل، ۸۵/۱؛ حاکم نیشابوری، ۳۸۸/۴؛ فخر رازی، ۶۰۱/۲۷؛ سیوطی، الاتقان، ۴۲۸/۲؛ ابن عجبیه، ۵/۲۲۰).

۲۹- «فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ» (احقاف/۳۵).

مآخذ گوناگون از این آیه به عنوان امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم یاد کرده‌اند، ولی از گوینده آن نامی نبرده و در ذیل آن توضیحی نداده‌اند (نحاس، ۱۱۷/۴؛ ثعالبی، ۲۲۸/۵؛ سیوطی، الاتقان، ۴۲۸/۲). شاید بتوان گفت توجیه این دیدگاه، به حصر هلاکت و بد سرانجامی در فاسقان باز می‌گردد. چنانکه گویی آیه مزبور با منحصر ساختن هلاکت ابدی در این جماعت، نیک فرجامی را برای نیکوکاران تضمین نموده است.

۳۰- «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» (محمد/۱۱).

قشیری (د. ۴۶۵ ق.) بر این باور است که از آنجا که آیه یاد شده، سایه ولایت و رحمت پروردگار را بر سر همه اهل ایمان گسترده و مؤمنان گناهکار را از این دایره، مستثنی نساخته است، می‌تواند امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم به شمار آید (قشیری، ۴۰۶/۳).

۳۱- «یتیماناً ذا مقربه * او مسکیناً ذا متربه» (بلد/۱۵).

این دیدگاه به شافعی (د. ۲۰۴ ق.) منسوب است (شافعی، ۳۸/۱؛ زرکشی، ۴۴۷/۱؛ سیوطی، الاتقان، ۴۲۸/۲) و توجیهی برای آن وجود ندارد.

۳۲- «وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (ضحی/۵).

اساس این دیدگاه به روایتی باز می‌گردد که امام صادق (ع) آن را از طریق امام باقر (ع) و محمد حنفیه از امام علی (ع) نقل نموده‌اند و از همین رو، منابع در گوینده اصلی آن به اشتباه افتاده‌اند. چنانچه برخی منابع آن را به خود حضرت علی (ع) منتسب دانسته‌اند (فرات، ۵۷۱؛ ثعلبی، ۲۲۴/۱۰؛ حسکانی، ۴۴۷/۲) و برخی دیگر آن را به امام باقر (ع) (بغوی، ۲۶۷/۵؛ فخر رازی، ۱۹۴/۳۱) محمد حنفیه (د. ۸۱ ق.) (طبرسی، مجمع البیان، ۷۶۴/۱۰؛ همو، جوامع الجامع، ۵۰۳/۴) یا به امام صادق (ع) (خازن، ۴۳۷/۴) باز می‌گردانند. برخی منابع نیز بدون ذکر نام، تنها اصل دیدگاه را بیان کرده‌اند. (غرناطی، ۴۹۰/۲؛ ابن حجر، ۴۱۳/۸؛ ثعلبی، ۶۰۱/۵)

در این دیدگاه گشایش باب شفاعت بیشترین نوید را برای امت اسلامی به همراه دارد. زیرا از یک سو، در این آیه حد بخشایش بندگان بر رضایت و شفاعت پیامبری مبتنی است که «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» و «بِالْمُؤْمِنِينَ رِئُوفٌ رَّحِيمٌ» است. بدیهی است که گستره مهر و عاطفه پیامبر نسبت به امت اسلامی به اندازه ای است که تا همه آن‌ها را از عذاب دوزخ نرهاند، آرام نخواهد گرفت (ابن عطیه، ۴۹۴/۵؛ قرطبی، ۹۶/۲۱؛ بروسوی، ۱۲۷/۸؛ طباطبایی، ۱۷۷/۱-۱۷۶) از سوی دیگر زمان شفاعت، زمانی است که دست آدمی از دیگر مجاری نیل به رحمت الهی همچون توبه و ... کوتاه گردیده و زمان هر گونه عملی به سر آمده است. از آنجا که مسیر ارائه شده در سایر آیات برای نیل به مغفرت الهی، مسیر توبه و زمان نیل بدان، به حیات دنیوی محدود است، بارقه امید آن‌ها نمی‌تواند در روز قیامت و هنگامه محشر پرتو افشانی کند؛ از این رو شاید بتوان گفت جنبه امید بخشی آیه پنج سوره ضحی، تا حدودی بر آیات دیگر، حتی آیه ۵۳ سوره زمر، ترجیح داشته و از همین روست که اهل بیت (ع) آن را نوید بخش‌ترین آیه قرآن دانسته‌اند: «إِنَّكُمْ مَعِشْرَ أَهْلِ الْعِرَاقِ تَقُولُونَ: إِنَّ أَرْجَىٰ آيَةَ فِي الْقُرْآنِ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ... وَ لَكِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ نَقُولُ: إِنَّ أَرْجَىٰ آيَةَ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ «وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ» وَ هِيَ وَاللَّهِ الشَّفَاعَةُ لِيُعْطِيَهَا فِي أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَتَّى يَقُولَ رَبُّ رَضِيَتْ» (فرات، ۵۷۱؛ بغوی، ۲۶۷/۵؛ فخر رازی، ۱۹۴/۳۱).

ارزیابی و جمع بندی دیدگاهها

از میان دیدگاه های مطرح درباره امید بخش ترین آیه قرآن کریم، آیه ۵۳ سوره زمر و نیز، آیات ۱۱۶ نساء، ۴۹ حجر و ۵ ضحی بیشترین شهرت را دارند.

در ارزیابی دیدگاه های سی و دو گانه یاد شده باید گفت هر کدام از این دیدگاهها، جنبه خاصی از رحمت پروردگار را مد نظر قرار داده اند؛ چنانکه برخی از آنها از تفضّل پروردگار در تسهیل امور دینی بر مردم سخن به میان آورده اند،^۱ بعضی عنایت الهی را در وعده به نیک فرجامی پارسایان جست و جو نموده اند،^۲ شماری کرامت پروردگار را در نظام جزا و پاداش یادآور شده اند،^۳ برخی رحمت عام خدا بر مؤمنان یا بر همه بندگان را مد نظر قرار داده اند^۴ و سرانجام بعضی به فضل پروردگار در بخشش گناهان نظر داشته اند.^۵ نیز از آنجا که خداوند راه های گوناگونی برای بخشش بندگان در نظر گرفته است، هر کدام از آیات مطرح در محور اخیر، به یکی از این راهها نظر داشته و بر همین اساس، به لحاظ موضوع از یکدیگر متمایز گردیده اند.

همچنین دیدگاه های یاد شده، بنا بر مخاطبان خویش متفاوتند، چنانکه برخی از آنها به رحمت الهی نسبت به کل بندگان نظر دارند، ولی برخی دیگر امید بخش ترین آیه نسبت به عده ای خاص را موضوع گفتار قرار داده اند؛ لذا وحدت نداشتن این دیدگاهها در موضوع و مخاطب، موجب می شود مقایسه آنها با یک دیگر برای گزینش یکی و کنار نهادن دیدگاه های دیگر ناروا باشد و هر یک از آنها بتوانند در مقام مناسب خود، دیدگاهی سنجیده و صحیح باشند.

با این وجود نمی توان از برخی نقد های وارد بر دیدگاه های مطرح در این باره چشم پوشید. برای نمونه:

- درباره آیاتی همچون «ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ» (انعام/۶۲) باید گفت واژه مولا در عبارت «مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ»، نه به معنای نصرت و یاری رسانی

^۱ نوید بخشی آیه ۲۶۰ سوره بقره از همین روست.

^۲ بر اساس این نگاه، آیات ۸۲ انعام، ۱۵۶ اعراف، ۱۰۷ هود، ۴۸ طه، ۴۷ احزاب، ۱۷ سبأ، ۳۰ فصلت و ۳۵ احقاف را به عنوان امید بخش ترین آیه رقم زده است.

^۳ آیه ۲۶۰ سوره بقره و ۴۰ سوره نساء بر همین اساس به عنوان امیدوار کننده ترین آیه قرآن انتخاب شده اند.

^۴ مبنای امید بخشی آیات ۶۲ انعام، ۶ فاطر، ۱۹ شوری، ۱۱ محمد (ص) و ۱۵ بلد همین جنبه است.

^۵ از میان دیدگاه های سی و دو گانه مزبور، آیاتی که جنبه امید بخشی آنها ناظر بدین جهت است، عبارتند از: بقره/۶۴ و ۲۸۲، آل عمران/۳۵، نساء/۱۱۶، انفال/۳۸، توبه/۱۰۲، رعد/۶، حجر/۴۹، اسراء/۸۴، نور/۲۲، زمر/۵۳، مومن/۳ و ۴۳، شوری/۲۵ و ۳۰، ضحی/۵.

که به معنای احاطه و سیطره ولایی پروردگار در آخرت است (بیضاوی، ۱۶۶/۲؛ طباطبایی، ۱۳۲/۷) خبر بازگشت به سوی مولایی که بر تمام هستی، مسلط و بر مسند حسابرسی تکیه زده است، تنها برای کسانی امید بخش است که با اعمال صالح، زمینه برخورداری از رحمت پروردگار را فراهم آورده‌اند. زیرا همان گونه که پیش از این بیان گردید، تنها امیدی خردمندانه و پسندیده است که بر مبنای واقعیت و بر اساس فراهم آوردن اسباب نیل به مطلوب باشد؛ لذا باید دانست که صرف بازگشت مهم نیست، چگونه بازگشتن مهم است و از همین رو، آیه مزبور تنها با نگاه به دور از واقع نگری، می‌تواند به عنوان امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم به شمار آید. همین نقد درباره امید بخش‌ترین بودن آیه «أَنْ مَرَدْنَا إِلَى اللَّهِ» (مؤمن/۴۳) نیز صادق است.

- در برخی موارد، همچون:

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى...» (بقره/۲۸۲)
- «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكَلْتَهُ فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا» (اسراء/۸۴)
- «إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّىٰ» (طه/۴۸)
- «ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ» (سبأ/۱۷)
- «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنَ الْأَصْحَابِ السَّعِيرِ» (فاطر/۶)

- «فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ» (احقاف/۳۵)

مفهوم مخالف یا معنای بعید و ملازمی آیه مبنای گزینش آن به عنوان امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم قرار گرفته است. به راستی از چه رو باید از میان آیات بی شماری که صراحتاً از رحمت الهی سخن می‌گویند، آیه ای را به عنوان امیدوار کننده ترین برگزینیم که بر مقصود ما دلالتی دور دارد و با حلقه های گوناگون و تکلف بسیار، معنایی امید بخش را می‌رساند؟

- اطلاق موجود در برخی آیات به گواهی سیاق آن‌ها تخصیص می‌خورد و از همین رو نمی‌تواند دلیلی مناسب برای انتخاب آن‌ها به عنوان امید بخش‌ترین آیه قرآن باشد. برای مثال، در آیه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» (محمد/۱۱)، گر چه عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا» مطلق آمده است، ولی به قرینه آیه پیشین و پسین معلوم می‌گردد که منظور، مؤمنانی هستند که دین الهی را یاری رسانده و ایمان و عمل صالح را سرلوحه زندگی خویش قرار داده‌اند. در حقیقت، یاری پروردگار نسبت به اهل ایمان در این آیه شریفه، پاسخ همان

وعده ای است که در دو آیه گذشته مطرح گردیده است: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ وَ یَثْبِتْ أَقْدَامَکُمْ» (محمد/۷). خداوند متعال در آیات پیشین، اهل ایمان را به یاری دین الهی فرا خوانده و معلوم نموده است که اگر چنین کنند، آن‌ها را یاری و بر مسیر هدایت ثابت قدم می‌سازد؛ آن گاه در این آیه و آیه بعد، سرپرستی و مدد رسانی خود را نسبت به مؤمنانی که دین الهی را یاری رسانده و ایمان و عمل صالح را سرلوحه زندگی خویش قرار داده‌اند، اعلام و بهشت را جایگاه ابدی ایشان دانسته است: «إِنَّ اللَّهَ یدْخِلُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (محمد/۱۲) (طباطبایی، ۳۲/۱۸؛ ابن عاشور، ۷۵/۲۲)؛ لذا در عبارت «الَّذِینَ آمَنُوا»، اطلاقی نیست تا دستاویز گزینش آیه به عنوان امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم قرار گیرد.

- پذیرش برخی آیات به عنوان امید بخش‌ترین آیه، ترجیح بلا مرجح و خلاف عقل است. برای مثال در آیه «اللَّهُ لَطِیفٌ بِّعِبَادِهِ» (شوری/۱۹) تنها چیزی که مبنای گزینش آن به عنوان امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم قرار گرفته است، واژه «لَطِیف» است که به دلیل وزن صرفی خویش، از دوام مهر الهی نسبت به بندگان حکایت دارد. از آنجا که این ویژگی، به این آیه اختصاص نداشته و در آیات بی شماری همچون «إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِیمٌ» (حج/۶۵) نیز به چشم می‌خورد؛ همچنین با توجه به این امر که هیچ عامل مرجحی برای ترجیح آیه ۱۹ سوره شوری بر آیات مزبور وجود ندارد، باید گفت که تعیین آن به عنوان امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم، مبنا و دلالت روشنی ندارد.

چنانکه درباره آیه «ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِینَ آمَنُوا وَ أَنَّ الْکَافِرِینَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» (محمد/۱۱) نیز، توجیهی که برای گزینش آن به عنوان امید بخش‌ترین آیه ذکر شده است - یعنی بیان نصرت و یاری پروردگار نسبت به مطلق اهل ایمان - به این آیه منحصر نیست و در آیاتی همچون «اللَّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره/۲۷۵)، «وَ اللَّهُ وَلِیُّ الْمُؤْمِنِینَ» (آل عمران/۶۸)، «كَانَ حَقًّا عَلَیْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِینَ» (روم/۴۷)، «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ یَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهَادُ» (مؤمن/۵۴) و «إِنَّ اللَّهَ یدْفَعُ عَنِ الَّذِینَ آمَنُوا» (حج/۳۸) نیز ظهور دارد؛ لذا ترجیح آن بر آیات مزبور، معقول و پسندیده نیست.

- برخی دیدگاه‌ها با صرف نظر از سیاق آیات، تنها بخشی از عبارت آیه را اخذ و بر همان اساس حکم نموده‌اند، حال آنکه آن آیه، نه تنها امید بخش نیست، بلکه گاه بیم آور نیز هست. از جمله این موارد عبارتند از:

۱) «قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف/۱۵۶): در این آیه شریفه، تقدم عذاب بر رحمت و نیز اختصاص رحمت الهی به تقوا پیشگان، هرگز امید بخش نیست.

۲) «نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (حجر/۴۹): آیه مزبور گرچه از آیات رجاء به شمار می‌آید، ولی نمی‌تواند امید بخش‌ترین آیه قرآن باشد. زیرا آیه بعدی که به لحاظ مضمون، امتداد این آیه به شمار می‌رود، از عذاب شدید الهی سخن می‌گوید: «وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ». همین مطلب درباره آیه «غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ...» (مؤمن/۳) نیز صادق است.

۳) «لَا جْرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدْنَا إِلَى اللَّهِ وَ أَنْ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (مؤمن/۴۳): این آیه - افزون بر نقدی که پیش از این گذشت - از آن رو نمی‌تواند امید بخش‌ترین آیه باشد که سیاقش بیش از امید بخشی، صبغه تهدید دارد. در حقیقت، آیه مزبور در پاسخ به مشرکان است تا بدانند بازگشت همگان به سوی خداست و خداوند افراط گرانی را که از مرز عبودیت تجاوز می‌کنند، همدم آتش می‌گرداند: «وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ».

۴) «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ» (شوری/۱۹): اگر این آیه را از منظری دقیق و مجموعی ارزیابی کنیم و سیاق آن را در نظر بگیریم، در می‌یابیم که بر خلاف آیات امید بخش قرآن که از فضل خداوند سخن می‌گویند، این آیه، عدل خداوند را محور قرار داده است. زیرا به گواهی سیاق و آیات پیشین و پسین^۱، عبارت «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ» ناظر به این است که خداوند مهربان، با علم حضوری خویش، هر کسی را از ثمره و حاصل کار خویش بهره‌مند خواهد نمود؛ چنانچه اگر کسی برای آخرت سرمایه گذاری کند، کامیاب خواهد گردید و اگر دنیا را هدف قرار دهد، ضمن رسیدن به مطلوب خویش، از بهره‌های اخروی باز خواهد ماند (طباطبایی، ۱۳۸/۴۱). از آنجا که این آیه به عدل خداوند ناظر است، گزینش آن به عنوان امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم، ضعیف می‌نماید. چنانچه در ادعیه و روایات رسیده از معصومین نیز، عدل الهی در مقابل فضل پروردگار، به عنوان عامل بیم و خشیت بندگان معرفی گردیده است: «إِلَهِي إِنْ غَفَرْتَ فَبِفَضْلِكَ، وَإِنْ عَذَبْتَ فَبِعَدْلِكَ، فَيَا مَنْ لَا يَرْجَى إِلَّا فَضْلَهُ، وَلَا

^۱ «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (شوری/۲۰).

بخشی إلا عدله، امنن علینا بفضلک، ولا تستقص علینا بعدلک» (سید الساجدین (ع)، ۴۲۵).^۱
 بنابراین می‌توان گفت برخی از دیدگاه‌های سی و دو گانه که پیش از این بیان گردید، به لحاظ دلالتی بدون اشکال نیستند^۲، گرچه بررسی بیشتر آن‌ها مجال دیگری می‌طلبد.

نتیجه

همان گونه که مشاهده گردید، اهمیت مفهوم رجاء در آیین اسلام، مسلمانان را به تعیین امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم برانگیخته و این اندیشه ورزی، آرائی گوناگون را در این باره موجب گردیده است.

تا آنجا که بررسی شد، امکان دستیابی به سی و دو دیدگاه از دیدگاه‌های مطرح در این موضوع فراهم آمد و روشن گردید که اندیشمندان و قرآن‌پژوهان، هر کدام بنا بر ذائقه و نوع نگاه خویش، به این مقوله پرداخته‌اند؛ چنانکه برخی از ایشان به مغفرت الهی نظر داشته‌اند، برخی رحمت عام الهی را در نظر گرفته‌اند، شماری مهربانی خداوند در نظام جزا و پاداش را ملاک قرار داده‌اند، بعضی از رحمت الهی در نظام تشریح سخن به میان آورده‌اند و ... نیز دیدگاه‌های ایشان بنا بر اینکه امید بخشی آیات را نسبت به چه کسانی سنجیده‌اند، از یک دیگر متمایز می‌گردد. همین تمایز در موضوع و مخاطب، موجب می‌شود که هر کدام آن‌ها بتوانند در مقام مقتضی، صحیح باشند؛ گرچه نمی‌توان از برخی کاستی‌های موجود در دیدگاه‌های یاد شده چشم پوشید که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- ۱- نادیده انگاشتن سیاق و تقطیع نامناسب در دیدگاه‌های ناظر به: اعراف/۱۵۶، حجر/۴۹، مؤمن/۳ و ۴۳، شوری/۱۹؛
- ۲- ترجیح بلا مرجح در انتخاب آیات ۱۹ سوره شوری و ۱۱ سوره محمد به عنوان امید بخش‌ترین آیه قرآن کریم؛
- ۳- غفلت از تقیید و تخصیص آیات در دیدگاه‌های ناظر به آیاتی، مانند آیه ۱۱ سوره محمد(ص)؛
- ۴- اوهام‌گرایی و نا دیده انگاشتن واقعیت در امید بخش پنداشتن آیات انعام/۶۲ و

^۱ برای یافتن نمونه‌های روایی بیشتر ن.ک: امام سجّاد (ع)، ص ۳۰۶؛ مجلسی، ۳۸۶/۹۱.
^۲ ضمناً روایات مطرح در این عرصه، با مشکلات دیگری همچون اضطراب نیز مواجهند؛ چنانکه در آراء یاد شده، دیدگاه‌های متعدد و بعضاً متناقضی به حضرت علی (ع) یا صحابه‌ای چون ابن عباس منسوب است که نقد و بررسی سندی آنها به حوزه علوم حدیث باز می‌گردد و در مجال این نگاه‌شسته نیست.

مؤمن/۴۳؛

۵- تمسک به آیاتی مانند بقره/۲۸۲، اسراء/۸۴، طه/۴۸، سبأ/۱۷، فاطر/۶ و احقاف/۳۵ که بر مقصود دلالتی دور دارند.

از میان دیدگاه های مطرح در این موضوع، آیات ۵۳ سوره زمر، ۱۱۶ نساء، ۴۹ حجر و ۵ ضحی بیشترین شهرت را دارند

منابع

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (د. ۶۵۴ ق.)، *التفسیر الماثور*، تحقیق احمد فتوحی عبد الرحمان الحجازی، الطبعة الاولى، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۷ ق.
- ابن اثیر، مجد الدین مبارک بن محمد جزری اربلی (د. ۶۰۶ ق.)، *النهایه فی غریب الحدیث*، تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، الرابعه، موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴ ش.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (د. ۸۵۲ ق.)، *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، الثانية، دار المعرفة للطباعة والنشر بیروت، لبنان، بی تا.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (د. ۲۴۱ ق.)، *مسند*، دار صادر، بیروت، بی تا.
- ابن خالویه، ابو عبد الله حسین بن احمد (د. ۳۷۰ ق.)، *الحججه فی القرائات السبع*.
- ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد شاذلی (د. ۱۳۹۳ ق.)، *التحریر و التنویر*، بی نا، بی جا، بی تا.
- ابن عجبیه، احمد بن محمد (قرن ۱۳)، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، تحقیق احمد قرشی رسلان، انتشارات دکتر حسن عباس زکی، قاهره، ۱۴۱۹ ق.
- ابن عطیه، ابو محمد عبد الحق بن غالب (د. ۵۴۶ ق.)، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، الاولى، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر دمشقی قرشی (د. ۷۷۴ ق.)، *تفسیر القرآن العظیم*، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (د. ۷۱۱ ق.)، *لسان العرب*، ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ ق.
- ابو حیان، محمد بن یوسف (د. ۷۴۵ ق.)، *البحر المحیط*، تحقیق شیخ عادل احمد عبد الموجود و شیخ علی محمد معوض، الطبعة الأولى، دار الکتب العلمیه، بیروت ۱۴۲۲ ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (د. ۵۵۴ ق.)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، به کوشش و تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۶۵-۱۳۷۵.
- آل غازی، عبد القادر، *بیان المعانی*، الاولى، مطبعه الترقی، دمشق، ۱۳۸۲ ق.

- آلوسی، ابوالفضل شهاب الدین محمود (د. ١٢٧٠ ق.)، *روح المعانی*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ١٤١٥ ق.
- بروسوی، اسماعیل حقی (د. ١١٢٧ ق.)، *روح البیان*، دار الفکر، بیروت، بی تا.
- بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود (د. ٥١٦ ق.)، *معالم التنزیل*، به تحقیق خالد بن عبد الرحمان العک، دار المعرفه، بیروت، بی تا.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (د. ٦٨٥ ق.)، *انوار التنزیل و اسرار التاویل*، دار الفکر، بیروت، بی تا.
- ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی (د. ٢٩٧ ق.)، *السنن*، الثانیه، دار الفکر، بیروت، ١٤٠٣ ق.
- تستری، ابو محمد سهل بن عبد الله (د. ٢٨٣ ق.)، *التفسیر التستری*، الاولی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ١٤٢٣ ق.
- ثعالبی، ابو زید عبد الرحمان بن محمد (د. ٨٧٥ ق.)، *جواهر الحسان*، الدكتور عبد الفتاح أبو سنة، الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبد الموجود، الأولى، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ١٤١٨ ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله (د. ٤٠٥ ق.)، *المستدرک علی الصحیحین*، یوسف عبد الرحمن المرعشلی، دار المعرفه، بیروت، بی تا.
- حسکانی، عبید الله بن احمد (قرن ٥)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق محمد باقر بهبودی، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ١٤١١ ق.
- خازن، علاء الدین علی بن محمد (د. ٧٤١ ق.)، *لباب التاویل فی معانی التنزیل*، الاولی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ١٤١٥ ق.
- خلیل بن احمد (د. ١٧٥ ق.)، *العین*، الطبعة الثانیه، مؤسسه دارالهجره، ١٤٠٩ ق.
- راغب اصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد (د. ٤٢٥ ق.)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق محمد سید گیلانی، المكتبه الرضویه، طهران، بی تا.
- زبیدی، محمد بن محمد حسینی (د. ١٢٠٥ ق.)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، علی شیری، دار الفکر، بیروت، ١٤١٤ ق.
- زحیلی، وهبه، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج*، دارالفکر المعاصر، دارالفکر، بیروت، دمشق، ١٤١٨ ق.
- زرکشی، بدر الدین محمد بن عبد الله (د. ٧٩٤ ق.)، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، الاولی، دار احیاء الکتب العربیه، ١٣٧٦ ق.
- زمخشری، محمود بن عمر (د. ٥٣٨ ق.)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دارالکتب العربی، بیروت، ١٤٠٧ ق.

- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (د. ۱۴۰۹ ق.)، *ارشاد الازهان*، الاولى، دار التعارف للمطبوعات، بيروت، ۱۴۱۹ ق.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (د. ۱۴۰۹ ق.)، *الجديد فى تفسير القرآن*، الطبعة الاولى، دار التعارف للمطبوعات، بيروت، ۱۴۰۶ ق.
- سلمی، ابو عبد الرحمان محمد بن حسين (د. ۴۱۲ ق.)، *حقائق التفسير*، الأولى، دار الكتب العلمیه، بيروت، ۱۴۲۱ ق.
- سمرقندی، ابو الليث نصر بن محمد بن ابراهيم (د. ۳۷۵ ق.)، *تفسير السمرقندی*، تحقيق محمود مطرجی، دار الفكر، بيروت، بی تا.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر (د. ۹۱۱ ق.)، *الاتقان*، تحقيق سعید المندوب، الأولى، دار الفكر، بيروت، ۱۴۱۶ ق.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر (د. ۹۱۱ ق.)، *الدر المنثور فى تفسير الماثور*، مكتبة آية الله المرعشى النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- شافعی، محمد بن ادريس (د. ۲۰۴ ق.)، *احكام القرآن*، بی تا، بی جا، بی تا.
- شیر، عبدالله (د. ۱۲۴۲ ق.)، *الجواهر الثمین فى تفسير الكتاب المبین*، الطبعة الاولى، مكتبة الامین، بيروت، ۱۴۰۷ ق.
- شوکانی، محمد بن علی (د. ۱۲۵۰ ق.)، *فتح القدير، الجامع بین فنی الروایة و الدرایة من علم التفسیر*، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب، دمشق، ۱۴۱۴ ق.
- صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فى تفسير القرآن بالقرآن*، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۵.
- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهيم (د. ۱۰۵۰ ق.)، *تفسیر ملاصدرا*، بیدار، قم، ۱۳۶۶.
- صنعانی، عبد الرزاق بن همام (د. ۲۱۱ ق.)، *تفسیر القرآن*، تحقيق دکتر مصطفى مسلم احمد، الاولى، مكتبة الرشد للنشر و التوزيع، ریاض، ۱۴۱۰ ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین (د. ۱۴۰۲ ق.)، *الميزان فى تفسير القرآن*، منشورات جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية، قم، بی تا.
- طبرسی، فضل بن حسن (د. ۵۴۸ ق.)، *جوامع الجامع فى تفسير القرآن المجید*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷.
- طبرسی، فضل بن حسن (د. ۵۴۸ ق.)، *مجمع البیان فى تفسير القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
- طبری، محمد بن جریر (د. ۳۱۰ ق.)، *جامع البیان فى تاویل وجوه آی القرآن*، دار المعرفه، بيروت، ۱۴۱۲ ق.

- طوسی، محمد بن حسن (د. ٤٦٠ ق.)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- طیب، عبدالحسین (د. ١٤١١ ق.)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، بنیاد اسلامی محمد حسین کوشان پور، تهران، ١٣٤١.
- عسکری، حسن بن عبد الله (د. ٣٩٥ ق.)، *الفروق اللغویة*، الأولى، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، قم، ١٤١٢ ق.
- علی بن الحسین (ع) امام چهارم (د. ٩٤ ق.)، *الصحیفة السجادیة*، سید محمد باقر موحد ابطحی إصفهانی، الأولى، مؤسسة الأنصاریان للطباعة والنشر، قم، ١٤١١ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود (د. قرن ٣)، *کتاب التفسیر*، تحقیق وتصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، المكتبة العلمية الإسلامية، طهران، بی تا.
- غرناطی، قاسم بن محمد کلبی (د. ٧٤١ ق.)، *التسهیل لعلوم التنزیل*، الرابعه، دار الكتاب العربیه، لبنان، ١٤٠٣ ق.
- فتال نیشابوری (د. ٥٠٨ ق.)، *روضه الواعظین*، منشورات الشریف الرضی، قم، بی تا.
- فخر رازی، محمد بن عمر (د. ٦٠٦ ق.)، *مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ١٤٢٠ ق.
- فرات بن ابراهیم (د. قرن ٣)، *تفسیر فرات الکوفی*، تحقیق محمد الکاظم، الاولى، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ١٤١٠ ق.
- فضل الله، محمد حسین، *من وحی القرآن*، دارالملاک، بیروت، ١٤١٩ ق.
- القرآن الکریم*.
- قرشی، علی اکبر، *احسن الحدیث*، چاپ سوم، بنیاد بعثت، تهران، ١٣٧٧.
- قرطبی، محمد بن احمد (د. ٦٧١ ق.)، *الجامع لاحکام القرآن*، چاپ اول، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ١٣٦٤.
- قشیری، عبد الکریم بن هوازن (د. ٤٦٥ ق.)، *لطائف الاشارات*، تحقیق احمد بسیونی، الثالثه، الهیئه المصریه العامه للكتاب، مصر، بی تا.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب رازی (د. ٣٢٩ ق.)، *الروضه من الکافی*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، الطبعة الثانيه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ١٣٤٨.
- مازندرانی، ملا محمد صالح (د. ١٠٨١ ق.)، *شرح اصول الکافی*، تعلیق میرزا أبو الحسن الشعرائی، الأولى، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ١٤٢١ ق.
- مجلسی، محمد باقر (د. ١١١١ ق.)، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، الطبعة الثالثه، مؤسسه الوفاء، بیروت، ١٤٠٣ ق.
- مدرسی، محمد تقی، *من هدی القرآن*، چاپ اول، دار محبی الحسین، تهران، ١٤١٩ ق.

- مراغی، احمد مصطفی (د. ۱۳۷۱ ق.)، *تفسیر مراغی*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- مسلم بن حجاج (د. ۲۶۱ ق.)، *الجامع الصحیح*، دار الفکر، بیروت، بی تا.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰.
- مظهری، محمد ثناء الله (د. ۱۲۲۵ ق.)، *التفسیر المظهری*، مکتبه رشدی، پاکستان، ۱۴۱۲ ق.
- مغربی، ابو حنیفه نعمان بن محمد بن منصور (د. ۳۶۳ ق.)، *دعائم الاسلام*، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، دار المعارف، قاهره، ۱۳۸۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.
- موسوی سبزواری، عبد الاعلی (د. ۱۴۱۴ ق.)، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، الآداب، نجف، ۱۴۰۴ ق.
- میبدی، ابوالفضل رشید الدین (د. حدود ۵۲۰ ق.)، *کشف الاسرار و عده الابرار*، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد (د. ۳۳۸ ق.)، *اعراب القرآن*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
- نظام نیشابوری، حسن بن محمد (د. حدود ۷۲۸ ق.)، *غرائب القرآن*، تحقیق زکریا عمیرات، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
- واحدی، علی بن احمد (د. ۴۶۸ ق.)، *اسباب نزول القرآن*، تحقیق کمال بسیونی زغلوله الاولى، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ ق.